

فتوت نامه عطار یا هاتفی؟

از

دکتر محمد ریاض خان (پاکستانی)

منظوم هاتفی آغاز گردید. مثلاً در این ضمن آقای احمد گلچین معانی نوشته است: «... در این سخنرانی ۷ فتوت نامه منظوم و مستقلی به عبدالله هاتفی جامی نسبت داده شده است که ما از وجود آن بی خبریم» و مرحوم استاد سعید نفیسی در ضمن بررسی آن سخنرانی می فرماید «... نکته ای که در این مقاله تازگی دارد اینست که فرانتز تشنر فتوت نامه ای به هاتفی در گذشته در ۹۲۷ هجری نسبت داده است که مراد عبدالله هاتفی جامی شاعر معروف باشد و من این نکته را درست نمی دانم زیرا که در هیچ جا چنین چیزی به هاتفی نسبت نداده اند و بگمانم نام منظومه فتوحات شاهی هاتفی را که در جهان گشایی های شاه اسمعیل سروده است، وی «فتوت نامه» خوانده باشد.^۸

اینجانب این چنین بحثهای جالب استادان فاضل را به توجه تمام می خوانده و در عقده گشایی نهایی این

خاورشناس معروف مرحوم پروفیسور فرانتز تشنر^۱ (۱۸۸۸ - ۱۹۶۷) درباره مباحث مسلک فتوت اسلامی علاقه بسیار نشان می داده و در این ضمن چند مقاله ارزنده برشته تحریر در آورده^۲ و بعضی از معون فتوت را بچاپ هم رسانده است^۳ او در یکی از مقالات خود «فتوت نامه منظوم» منسوب به مولانا عبدالله هاتفی خرجردی جامی خراسانی (م. ۹۲۷ ه. ۱۵۲۱ م.) را ذکر و معرفی کرده است.^۴ پروفیسور فقید در سخنرانی برجسته خود که در تاریخ اول آبانماه ۱۳۳۵ ش در تالار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران ایراد داشته و در مجله آن دانشکده چاپ شده است^۵ می فرماید «اشعاری هم درباره فتوت سروده شده و من باب مثال فتوت نامه شاعر ایرانی هاتفی... قابل ذکر است»^۶. این سخنرانی تشنر مورد توجه دانشمندان ایرانی قرار گرفت و تفحص و جستجو درباره فتوت نامه

۱- استاد رشته تاریخ اسلام، دانشگاه مونستر آلمان.

۲- مثلاً درباره کتاب الفتوة السلمی نیشابوری (م. ۴۱۲ ه) و کتاب الفتوة (فارسی) شهاب الدین سرورودی (م. ۶۳۲ ه). ر.ک. بترتیب: Oriens Christianus pp. 270-280 1962; Studia Orientalia, pp. 340-351, 1955.

۳- یکی از متون مذکور «فتوت نامه منظوم ناصر سیواسی» (تألیف ۶۸۹ ه) است که در سال ۱۹۴۴ م به چاپ رسانده بود و مرحوم سعید نفیسی آنرا دوباره به چاپ رسانده است (فرهنگ ایران زمین جلد ۱۰ سال ۱۳۴۲ ش). آقای احمد گلچین معانی هر دو متن چاپی را مقایسه و تصحیح کرده (فرهنگ ایران زمین جلد ۱۱ سال ۱۳۴۲ ش) و سپس مرحوم سعید نفیسی بعضی از اشعار را به نقل از نسخه خطی دیگر افزوده است (سرچشمه تصوف در ایران ص ۲۱۸ - ۲۱۹).

۴- Das Futuwatnâme des Hâtifi, Festschrift G. Jacob, 1932, pp. 304-316.

و در دنبال این مقاله آقای عسکری هندی هم مطالبی نوشته است.

Journal of the Bihar and Orissa Research Society, Calcutta 1955, pp. 452-487.

۵- مجله دانشکده ادبیات شماره ۲ سال چهارم دیماه ۱۳۳۵ ش ص ۷۶ - ۹۲ ۶- ایضاً ص ۸۰ ۷- فرهنگ ایران زمین جلد ۱۱ سال ۱۳۴۲ ش ص ۹۴ ۸- سرچشمه تصوف در ایران ص ۲۱۴ - ۲۱۷ (تهران ۱۳۴۳ ش)

فتوت نامه منظوم علاقه مند بوده است. در این مورد به مرحوم تشنر نامه ای نوشته ام و از او خواستم که در تهیه «فتوت نامه هاتفی» راهنمایی بفرماید. پروفیسور فقید بنامه من جوابی نداده ولی به توصیه ایشان اولیای سرنامه فتوت نامه منظوم نقل می گردد:

کتابخانه کوبرگ آلمان عکسی از فتوت نامه ۹ مولانا هاتفی به صورت هدیه برای اینجانب فرستاده اند. من هر موقع که این واقعه را به خاطر می آورم فکر می کنم که مرحوم تشنر عملاً هم از افکار فتیان بهره وافر اندوخته بود.

فتوت نامه عطار یا هاتفی؟

نکته جالب اینست که فتوت نامه منظوم هاتفی که مورد استناد پروفیسور تشنر بوده با چند اختلاف جزئی همانست که مرحوم استاد سعید نفیسی آنرا به عنوان «فتوت نامه منظوم عطار نیشابوری» در چاپ سوم دیوان اشعار آن شاعر و عارف نامبردار ایرانی شامل کرده و منتشر ساخته است. ۱۰ متأسفانه استاد مرحوم مأخذ خودش را ذکر نکرده ولی از دیباچه دیوان معلوم می گردد که ظاهراً آنرا از روی نسخه خطی کتابخانه حالت آفندی استانبول نقل کرده است. ۱۱ استاد مرحوم در دیباچه دیوان می نویسد «هنگامی که چاپ سوم یعنی چاپ حاضر را آماده می کردم به چند مدرک تازه برخوردیم و ۱۶۱ بیت تازه از استاد عطار را در آنها یافتیم که در چاپ اول و دوم نبوده» ۱۲ ولی تعداد اشعار تازه بافتوت نامه منظوم ۱۳۱۵۳ تا است. در این دیباچه استاد بعضی از مدرک های تازه را معرفی کرده و در مورد بعضی فقط به ذکر کلمات «نسخه های دیگر» ۱۴ اکتفا کرده است و مأخذ فتوت نامه هم جزو آنها است. از گفتار ما آشکار است که این فتوت نامه منظوم در يك نسخه خطی به نام عطار و در دیگری به نام هاتفی مضبوط است. بنابراین قول هر دو استاد مستند و متکی به صحت اسناد بوده است زیرا:

«فتوت نامه مولانا هاتفی رحمه الله علیه
Landes Bibliothek Coburg Sign: Y2 (... Cod IX) Blatt 63 vers. 64 recto et vers.

- ۱۰- دیوان فریدالدین عطار چاپ سوم (تهران ۱۳۳۹ ش) ص ۹۲ - ۹۵
۱۱- ایضاً دیباچه ص ۵
۱۲- دیوان عطار چاپ سوم ص ۳
۱۳- ایضاً ص ۵ - ۹، ۹۲ - ۹۵
۱۴- ایضاً ص ۳
۱۵- به علت همین امر بعضی از فتیان کاملاً وارد مسلک شده اند مثلاً احمد بن خسرویه (م ۲۴۰ ه) و علی بن احمد پوشنگی (م ۳۴۸ ه). ابوحفص حداد ←

۱- مرحوم استاد سعید نفیسی از وجود نسخه فتوت نامه منسوب به هاتفی اطلاعی نداشته و گمان کرده که تشنر منظومه فتوحات شاهی هاتفی (یعنی «شاهنامه حضرت شاه اسمعیل») را فتوت نامه فکر کرده است. اما نبایستی که از شخصی متبحر مباحث فتوت (تشنر) این چنین اشتباه سطحی سرزند، و سر نزده است.

۲- مرحوم تشنر از وجود نسخه خطی فتوت نامه منظوم عطار بی خبر بوده و چاپ سوم دیوان عطار بعد از انتشار مقالات او در سال ۱۳۳۹ ه. ش. عملی گردیده است. فتوت نامه ای که در تصرف او بوده صریحاً به هاتفی منسوب است.

۳- دو بیت اختتامی فتوت نامه منظوم مورد بحث

به قرار زیر است:

اگر خواهی که این معنی بدانی

«فتوت نامه عطار» خوانی

خدا یار تو باشد در دو عالم

چو مردانه در این ره می زنی دم

نسخه کتابخانه کوبرگ فاقد این دو بیت است.

با وجود این ابیات برای مرحوم سعید نفیسی چاره یی

نبود جز اینکه فتوت نامه را از سروده های عطار نیشابوری

بداند.

فتوت نامه از کیست؟

چون از وجود نسخه دیگری از این «فتوت نامه منظوم» اطلاعی به دست نیامده، صحبت و سخن در این است که این منظومه را از سروده های عطار بشناسیم یا از آن هاتفی؟ در این مورد مراجعه به آثار و عصر آنان شایسته در تبیین حقیقت کمک کرده باشد. شیخ فریدالدین عطار نیشابوری (۵۴۰ - ۶۱۸ ه) يك صوفی سوخته جان و صاحب دل بزرگ و شاعر و نویسنده نامبردار عرفانی است. زندگانی او هم بادوره پیشرفت تصوف و فتوت مقارن بوده است چون متصوفه بافتیان حقیقی شباهت و اشتراك عمل و همکاری داشته اند ۱۵ بنابراین

اگر عطار هم دربارهٔ مسلک فتوت منظومه‌ی سروده باشد موجب شگفتی نمی‌گردد. عطار در سایر آثار منشور و منظوم خود نسبت به مسلک فتوت علاقه وافر نشان داده است مثلاً در «تذکره‌الاولیاء» ۱۶ (که ذکر ۹۷ تن از اولیاء الله است) اقوال مهم بزرگان را در حقیقت و اهمیت «فتوت» بیان نموده است و در «منطق الطیر» در ضمن نعت حضرت رسول ختمی مرتبت (ص) می‌فرماید:

ختم کرده حق نبوت را برو

معجز و خلق و «فتوت» را برو ۱۷

و این اشعار متفرق از دیوانش هم حاکی علاقه او به فتوت و عیاری می‌باشد:

جوانمردان ره را زین مصیبت

جگرها تشنه و دلها کباب است

چون عیاران بی‌جامه میان درویشان

در این وادی بی‌پایان یکی عیار بنماید

مردانه به‌کوی یار در شو

از خنجر هر عیار میندیش

سر فدا کردن و چون عیاران

جان به‌کف بردر جانان رفتن

چون عالم ذره‌ایست اینجا عالم چندباشی تو

که در پیش چنین کاری کمر بندی به عیاری ۱۸

ولی از دیدن سایر آثار ۱۹ مولانا هاتفی ذکری از اسم فتوت یا اصطلاح‌های آن مسلک یافت نمی‌شود و اصولاً شاعری در آن قرن نبایستی که دربارهٔ اصطلاح‌ها و شرائط فتوت صحبت کند زیرا رواج «فتوت» (و آن هم «فتوت واقعی» که این منظومه آنرا متضمن است) در قرن هاتفی (قرن دهم هجری) از بین رفته بود. ما می‌دانیم که ملاحسین واعظ کاشفی (م ۹۱۰ ه) در اواخر قرن نهم هجری «فتوت‌نامهٔ سلطانی» ۲۰ نوشته و خود را از جمله فتیان معرفی کرده است. ولی باید در نظر گیریم که بادگرگونی اوضاع سیاسی، از اوائل قرن دهم هجری و به‌ویژه از سال (۹۰۶ ه) ۲۱ به‌بعد دیگر «تشکیلات جوانمردان از بین رفت» ۲۲ هاتفی که در اواخر عمر خود «شاهنامهٔ حضرت شاه اسمعیل» سروده و شخص آن پادشاه مقتدر و فتوحات او را ستوده قاعدتاً نمی‌توانست تشکیلات ممنوعه فتیان و یا شرائط این گروه را به‌رشتهٔ نظم برآورد. بنابراین انتساب فتوت‌نامهٔ منظوم ناشی از اشتباه کاتب به‌نظر می‌رسد.

بررسی نهایی:

از روی آن شعر که قبلاً مذکور گردید و در آن تخلص (عطار) به‌صراحت آمده و نیز طبق مطالب زیاد

→ (م در حدود ۲۶۵ ه) دربارهٔ احمد بن خضرویه می‌فرماید «اگر احمد نبودی فتوت و مروت پیدا نکستی» (تذکره‌الاولیاء ج ۲ ص ۲۵۷ تهران ۱۳۳۶ ش) همینطور سایر بزرگان تصوف ایران صاحبان فتوت هم بوده و دربارهٔ این مسلک «فتوت‌نامه»‌ها نوشته‌اند مثلاً شیخ نجم‌الدین زرکوب تبریزی (م ۷۱۲ ه) و شیخ علام‌الدوله سمنانی (م ۷۳۶ ه) (که فتوت‌نامه‌های هر دو در ترکیه چاپ شده است «فرهنگ ایران زمین» سال ۱۳۴۲ ش جلد ۱۰ ص ۲۲۹) و فتوت‌نامهٔ میرسیدعلی همدانی م ۷۸۶ ه (که به‌توسط اینجانب تصحیح و تحشیه شده و در شرف چاپ است) ^{کاه ۱۶} در اینمورد در جلد اول به‌ویژه ر - ک باحوال حسن بصری، فضیل عیاض، امام ابوحنفیه، امام شافعی، معروف کرخی، احمد خضرویه، ابوحفص حداد (ص ۱۰، ۴۷، ۸۵، ۱۸۵، ۲۵۷، ۲۸۹) و در جلد دوم جنید بغدادی، محمد فضیل ابوعلی جورجانی، ابوالعباس وقاب، شیخ جعفر خلدی، شیخ‌علی رودباری، شیخ ابوالفضل حسن (ص ۲۷، ۲۴، ۷۵، ۱۰۱، ۱۵۷، ۱۵۶، ۲۱۲، ۲۳۸، ۲۵۸).

۱۷- منطق الطیر چاپ بنگاه ترجمه و نشر کتاب به تصحیح آقای دکتر سید صادق گوهرین ص ۱۸، ۱۴۸،

۱۸- دیوان عطار چاپ سوم بالترتیب ص ۱۲۱، ۳۰۰، ۳۳۴، ۴۳۸، ۵۰۰ جالب است که در «فتوت‌نامه سلطانی» (خطی شماره ۷۴۷۶ کتابخانه مجلس) اشعار زیر به‌عطار منسوب است که دارای وزن همان فتوت‌نامه منظوم می‌باشد:

هر که از علم فتوت بهره یافت

دیدۀ دل از فتوت روشن است

گر بود علم فتوت بر سرت

هر زمان بخشنند صفای دیگر

۱۹- آثار او عبارت است از خمسه به‌تقلید نظامی (م در حدود ۶۱۴ ه) به‌نام لیلی و مجنون، شیرین و فرهاد، هفت‌منظر، تمرنامه (= تیمورنامه)، شاهنامهٔ حضرت شاه اسمعیل، و غزلیات و مقطعات (که نسخهٔ عکسی آن دارای ۲۸ برگ در کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران موجود است) ۲۰- این فتوت‌نامه مبسوط به‌مقیاسه ۳ نسخه خطی و عکسی توسط آقای دکتر

محمدجعفر محبوب تصحیح گردیده و در شرف چاپ است.

۲۱- یعنی سالی که شاه‌اسمعیل اول، مؤسس سلطنت مقتدر صفوی اقتدار بدست گرفته است.

۲۲- ارزش میراث صوفیه (آقای دکتر زرین‌کوب، تهران، ۱۳۴۴ ش)، ص ۲۱۲

فتوت که در آثار عطار بیان گردیده است در انتساب این فتوت نامه منظوم به آن مرد نامی ایران اشکال و مانعی وجود ندارد. تنها مشکلی که وجود دارد تفاوت سبک و زبان این اشعار است به اشعار سایر آثار عطار یعنی زبان فتوت نامه منظوم به مقابله آثار عطار تازه تر بچشم می خورد و بیشتر مانند شعر قرن هشتم هجری می ماند. بنابراین گمان می رود که این اشعار سروده عطار دیگری باشد که خود مرحوم استاد سعید نفیسی او را چنین معرفی می کند «... او هم به زبان فارسی شعری گفته و شاید نیشابوری بوده باشد و در هر حال دو بیست سال درست پس از فریدالدین عطار می زیسته است... در نظر من چون آفتاب روشن است که مردی در قرن نهم بوده ۲۳ است از مردم تون... در شهر مشهد می زیسته است و نسب او به ابوذر غفاری می رسیده است».

موضوع این «فتوت نامه» منظوم و تصحیح متن آن:

این وجیزه دارای ۸۴ بیت و در بحر هزج مقصور یا محذوف سروده شده و موضوع آن بیان هفتاد و دو شرط و صفت فقیان حقیقی است، یعنی صفاتی که باید جوانمردان از آن مزین و آراسته باشند و الا ادعای فقی بودن آنان باطل و دروغی می باشد. اوصافی که در این فتوت نامه منظوم مذکور گردید در سایر معتبر فتوت به اختلاف تقدم و تاخر موجود است مثلا در کتاب الفتوة السلمی نیشابوری ۲۴ رساله الفتوة شیخ مقداد السیوسی ۲۵ و کتاب الفتوة ابن العمار الحنبلی و غیره ۲۶ مرحوم استاد سعید نفیسی هم در «سرچشمه تصوف ایران» ۲۷ این اوصاف هفتاد و دو گانه جوانمردان را خلاصه کرده است.

نسخه عکسی که از کتابخانه «کوبرگ» آلمان داریم متضمن ۸۲ بیت و نسخه چاپی مرحوم سعید نفیسی هم دارای ۸۲ بیت است، و هر دو نسخه دارای دو بیت اضافی است که دیگری فاقد آنست و بدین ترتیب مجموعه ای از ۸۴ بیت بدست می آید.

نه فقط برای همین دو بیت تصحیح مجدد ضروری است بلکه هر دو نسخه باهم اختلاف زیاد دارد و گاهی حق باین و گاهی به آن می باشد. بطور کلی نسخه چاپی از بعضی از اشتباهات فاحش دچار است. برای این امر لازم بود که متن تصحیح شده ای را از نظر خوانندگان گرامی بگذرانیم و اینک آن را عرضه می دهیم و ما توفیقی الا بالله:

متن فتوت نامه منظوم

الا ای هوشمند خوب کردار
بگویم با تو رمزی چند از اسرار
چو دانش داری و هستی خردمند
بیاموز از فتوت نکته ای چند
که تا در راه مردان ره دهند
کلاه سروری بر سر نهند
اگر خواهی شنیدن گوش کن باز
زمانی باش با ما محرم راز
چنین گفتند پیران مقدم
که از مردی زدندی در میان دم
که هفتاد و دو شد شرط فتوت
یکی زان شرطها باشد مروت
بگویم با تو یک یک جمله راز
که تا چشمت بدین معنی شود باز
نخستین راستی را پیشه کردن
چو نیکان از بدی اندیشه کردن
همه کس را بیاری داشتن دوست
نگفتن: آن یکی مغز و دگر پوست
۱- ز بند نفس بد آزاد بودن
به نیکی و به مردی شاد بودن ۲۸
اخی را در میان دوست و دشمن
همیشه پاک باید چشم و دامن ۲۹
اگر اهل فتوت را وفا نیست
همه کارش بجز روی و ریا نیست

۲۳- جستجو در احوال و آثار فریدالدین عطار نیشابوری (تهران ۱۳۲۵ ش) ص ۱۴۷، ۱۴۶.

۲۴- منتخب آن خطی بشماره ۹۰ (کتابخانه ادبیات).

۲۵- ص ۱۳۵ - ۱۳۹.

۲۶- چاپ بغداد ۱۹۵۸ م ص ۲۵۶، ۲۶۱.

۲۸- چاپی مصراع ثانی شعر یازدهم دارد

۲۹- چاپی ندارد مصراع ثانی این بیت در مصراع ثانی شعر دهم آمده است.

کسی کورا جوانمردیست در تن
 ببخشاید دلش بردوست و دشمن
 بهر کس خواستی می باید آنت
 اگر خواهی ۳۰ به خود نبود زیانت
 مکن بد با کسی کو باتو بد کرد
 تو نیکی کن اگر هستی جوانمرد
 کسی کز مهر تو ببرید پیوند
 به مردی جان و دل در مهر ۳۱ او بند
 زبان را در بدی گفتن میاموز
 پشیمانی خوری ترسم ۳۳ یکی روز
 ترا آنکه به آید مردی و زور
 که بینی خویشتن را کمتر از مور
 مراد نامرادان را بر آور
 که تا یابی مراد خویش یکسر
 ۲۵- مگر هرگز که خواهی کردن اینکار
 اگر دستت دهد می کن بکردار
 کسی کورا به چشم ۳۴ اندر حیا نیست
 فتوت در جهان او را روا نیست
 فتوت دار چون باشد دلازار
 نباشد ۳۵ در جهانش هیچکس یار
 درین ره خویشتن بینی نکنجد
 بجز خاکی و مسکینی نکنجد
 فتوت ای برادر بردباری است
 نه گرمی ۳۶ و ستیز و بانگ زاری است
 بده ۳۷ نان تا بر آید نامت ای دوست
 چه خوشتر در جهان از نام نیکوست؟
 زبان و دل یکی کن با همه کس
 چنان کز پیش باشی، باش از پس
 مبین ۳۸ چیزی که دیدن را نشاید
 و گر ۳۹ گویی شنیدن را نشاید
 چو اندر طبع ستاری ۴۰ نداری
 مزن دم از طریق بردباری

طریق پارسایی ورزا ۴۱ مادام
 که نیکو نیست فاسق را سرانجام
 ۳۵- مکن با هیچکس تزویر و دوستان
 که حیلست هست ۴۲ کار زیردستان
 درون را پاک دار از کین مردم
 که کین داری نشد آیین مردم
 چو ۴۳ خواندند بروز نهار بی هیچ
 ورت ۴۴ هم بیم جان باشد مگو هیچ
 به جان گر بازمانی اندرین راه
 نباشد از فتوت جانب آگاه
 دماغ از کبر خالی دار پیوست
 ز شیطانی چه گیری عجب ۴۵ بردست؟
 تواضع کن تواضع بر خلائق
 تکبر جز خدا را نیست لایق
 به کمتر چیز کی ۴۶ خود را مرنجان
 که افزونی جسمت ۴۷ کاهش جان
 سخن نرم و لطیف و تازه می گوی
 نه بیرون از حد و اندازه می گوی
 مگو از دلت با هر کسی باز
 که در دنیا نیابی محرم راز
 حسد را برفتوت ۴۸ ره نباشد
 حسود از راه حق آگه نباشد
 ۴۹- اخرا چو طمع باشد بفرزند؟
 ببر ز نهار از وی مهر و پیوند
 اگر گفتمی ۴۹ ز روی آنرا بجا آر
 و اگر خود می رود سر بر سر دار
 به خود هرگز مرو راه فتوت
 بخود رفتن کجا باشد مروت؟
 ریاضت کش که مرد نفس پرور
 بود از گاو و خر بسیار کمتر
 مرو ناخوانده تا خواری ۵۰ نبینی
 چو رفتی جز جگر خواری ۵۱ نبینی

- ۳۵- عکسی که گر ۳۱- چایی راه ۳۲- ایضاً می آموزد ۳۳- ایضاً توهم ۳۴- ایضاً به خشم اندر رضا
 ۳۵- عکسی نباشد در جهان با هیچکس کار ۳۶- چایی نه گرمی ستیزه، بلکه زاری است ۳۷- عکسی بدانان؟
 ۳۸- چایی مکن ۳۹- ایضاً اگر ۴۰- چایی بسیاری؟ ۴۱- عکسی ورزم؟ ۴۲- چایی نیست؟ ۴۳- ایضاً
 چو خواندندت برو ز نهار می بیج؟ ۴۴- عکسی که خودگر ۴۵- چایی عذر ۴۶- ایضاً تکبر چیزگی. ۴۷-
 عکسی که خشمت فروست؟ ۴۸- ایضاً در ۴۹- ایضاً اگر گفتن زدی، در عکسی این بیت شماره ۴۴ می باشد
 ۵۰- عکسی خوری؟ ۵۱- ایضاً بنیان

بچشم شهوت اندر دوست منگر
 که دشمن کام گردی ای برادر
 ز کج بینان فتوت راست ناید
 که کج بین ۵۳ خود فتوت را نشاید
 بکام خود منه زنهار یک گام
 که ناکام است دایم ۵۴ مرد خود کام
 مروت کن تو با اهل زمانه
 که تا نامت ۵۵ بماند جاودانه
 هزاران تربیت گر هست اخی را
 ندارد دوست زایشان جز سخی ۵۶
 ۵۵ مدار کن تو با پیران مسکین
 ببخشا بر جوانان بد آیین
 مز نلاف ای پسر بادوست و دشمن
 که باشد مرد لافی کمتر از زن
 فتوت چیست؟ داد خلق دادن
 بپای دستگیری ایستادن
 هر آنکس که بخود مغرور باشد
 بفرسنگ از مروت دور باشد
 ادب را گوش دار اندر همه جا
 مکن با بی ادب هرگز محابا
 بخدمت می توان این ره بریدن
 بدین ۵۷ چوگان توان این گوی ر بودن
 بعزت باش تا خواری نبینی
 چو یاری کردی اغیاری نبینی
 مدار اندر فتوت بند با خود ۵۸
 هماره دار این بقدر با خود
 گر آید از درت سیلاب خون باز
 بپوشانش درون پرده و از
 مبر نام کسی جز با ۵۶ نکویی
 اگر اندر فتوت نام جویی
 ۶۰ بعضیان در میفکن خوشتن را
 مجوی آخر بلای جان و تن را

هوای نفس خود بشکن خدا را
 مده ره پیش خود صاحب هوا را
 چنان کن تربیت پیر و جوان را
 که خجلت بر نیفتد این و آن را
 نصیحت در نهانی بهتر آید
 گره ۶۰ از جان و بند از دل گشاید
 لباس خود مده هر ناسزا را
 بگوش جان شنو این ماجرا را
 «میان تربیت» زانروی می بند
 که باشد در کنارت همچو فرزند
 فتوت دار اگر دارد قناعت ۶۱
 همه عالم برند از وی بضاعت
 بطاعت گوش تا دیندار گردی
 که بی دین را نزیب لاف مردی
 برستش کن خدای جاودان را
 مطیع ۶۲ امر او کن عقل و جان را
 قدم اندر طریق نیستی زن
 که هستی ۶۳ بر نمی آید ازین فن
 ۷۰ چو سختی بیشتر آید کن صبوری
 در آن حالت مکن از صبر دوری
 بنعمت در همی کن شکر یزدان
 چو محنت در رسد صبرست درمان
 چون مهمان در رسد شیرین زبان شو
 بصد الطاف پیش میهمان شو
 تکلف از میان بردار و از پیش
 بیاور ۶۴ آنچه داری از کم و بیش
 باحسان و گرم دلها بدست آر
 کزین بهتر نباشد در جهان کار
 چون احسان از تو خواهد مرد هشیار
 چو مردان راه خود چالاک بسپار
 اگر شکرانه ای گوید مگو: کسی؟
 ببايد گشتنت تسلیم در وی

۵۲ چایی که کج بینی فتوت
 ۵۳ چایی بدین چوگان توان گویی ر بودن. در عکسی بردن
 ۵۴ ایضا که ایمن نیست دایم
 ۵۵ عکسی برآید؟
 ۵۶ ایضا سخن را؟
 ۵۷ چایی بدین چوگان توان گویی ر بودن. در عکسی بردن
 ۵۸ چایی این بیت ندارد (در مصراع ثانی تصحیح قیاسی انجام شد)
 ۵۹ عکسی در
 ۶۰ ایضا که ره؟
 ۶۱ چایی فتوت جوی گر دارد قناعت.
 ۶۲ ایضا مطیع
 ۶۳ عکسی در
 ۶۴ ایضا بیار نعمت خدا داد از...

فتوت‌دار چون شمعت در جمع
 از آن سوزده ۶۵ میان جمع چون شمع
 ترا باعشق باید صبر ۶۶ همراه
 که تاگردی ازین احوال آگاه
 بگفتار این سخنها راست ناید ۶۷
 ترا گفتار با کردار باید
 ۸۵- چو چشمت روی آن هستی ببیند
 سخن‌های منت در جان نشیند

مکن زنه‌ار ازین ۶۸ معنی فراموش
 همی کن پندمن چون حلقه در گوش ۶۹
 گر این معنی بجای آری ترا به
 به شرط این راه بسپاری ترا به ۷۰
 اگر خواهی که این معنی بدانی
 «فتوت نامه عطار» خوانی ۷۰
 خدا یار تو باشد در دو عالم
 ۸۴- چو مردانه درین راه می زنی دم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

۶۵- ایضاً برآید؟ ۶۶- ایضاً صدق؟
 ۶۷- این بیت در عکس شماره ۸۱ یعنی بعد از بیت بعدی است و مصراع اول آن بدین قرار است: «بگفت اندر سخنها راست ناید».
 ۶۸- عکسی این ۶۹- در عکسی این بیت آخر است ۷۰- این دو بیت فقط در جایی موجود است.